



## (جایگاه میدان های نقش جهان و توپخانه در توسعه بافت شهرهای اصفهان عصر صفوی و تهران عصر قاجاری)

مرضیه خالصی<sup>۱\*</sup>، علی عمرانی پور<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، (marziyeh\_khalesi@yahoo.com)

۲- استاد یار، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، (a\_omrani@kashanu.ac.ir)

### چکیده

در فضاهای شهری ایران که در طول سالیان متمادی تحت تاثیر آموزه ها و الگوهای فکری و هنری این سرزمین، شکل گرفته اند، می توان به میداین شهری به عنوان مهم ترین ظرف فضایی زندگی جمعی در فضای باز شهرها که نقش بسیار والایی در جذب مردم و حضور آن ها و نیز ارتقای کیفیت حضور انسانی در شهرها دارند، اشاره کرد. ورود و نفوذ غرب پس از صفویه و ادامه ی آن در دوره ی قاجاریه، سیمای بسیاری از شهرهای ایران را دچار تغییر و تحول کرد. در این رساله سعی شده است تا دو میدان توپخانه تهران و نقش جهان اصفهان به عنوان میدان های مهم پایتخت های دو دوره ی با اهمیت صفویه و قاجاریه، انتخاب شود و تاثیر هر یک از میدان ها در الگوی توسعه بافت این دو شهر با رویکردی توصیفی-تحلیلی بررسی شود. لازم به ذکر است که هر دو این میدان ها مفصل میان بافت جدید و قدیم شهری در دوره ی احداث خود هستند. میدان نقش جهان به عنوان یک عامل بسیار قوی نقش مهمی در شکل توسعه ی شهر اصفهان دارد. میدان توپخانه نیز عامل شکل دهی به شش خیابان مهم تهران در آن زمان ( خیابان های لاله زار، امین السلطان یا فردوسی، باب همایون، چراق گاز، مریضخانه یا سپه، ناصریه یا ناصر خسرو ) است. خیابان نیز به عنوان اندام جدید شهری ( با مفهومی متفاوت از خیابان دوره ی صفوی ) عامل مهمی در شکل دهی به بافت شهری است.

واژه های کلیدی : میدان نقش جهان، میدان توپخانه، توسعه بافت شهری



## مقدمه

شهرسازی ایرانی پس از ورود اسلام، فراز و نشیب های فراوانی داشته است. پس از روی کار آمدن حکومت قدرتمند صفوی، توجه عمده ای به شهرنشینی و توسعه ی شهرها شد. این دوره مصادف با آغاز روابط ایران با دول اروپایی است. شدت گرفتن این روابط در دوره ی قاجاریه، باعث تغییر در روند هنر، معماری و شهرسازی شد. شهرسازی ایران به رغم فراز و نشیب های تاریخی خود، روند پیوسته ای را دنبال کرده است که در حال حاضر این روند قطع شده است. بی شک مطالعه در آثار پیشین می تواند چشم اندازی از آینده ی شهرسازی ایران ترسیم کند.

نیاز انسان به روابط اجتماعی او را نیازمند فضاهایی برای تبادل افکار و اندیشه ها نموده است و فضاهای عمومی شهری مکان هایی هستند که به ایجاد روابط اجتماعی منجر می شوند. بنابراین، کمیت و کیفیت بناها و فضاهای عمومی شهر که گاه از آن ها به عنوان ساختمان های مدنی یا شهری یاد می شود، یکی از مهم ترین شاخص های ارزیابی توانایی شهر در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی شهروندان به شمار می رود. میدان ها به عنوان یک دسته از فضاهای عمومی اصلی در شهرها، موضوع اصلی این رساله است که سعی شده است نقش آن در شکل دهی و فرآیند توسعه ی شهری بیان شود. از این رو دو میدان مهم نقش جهان و توپخانه از دو دوره ی مهم و تاثیر گذار در شهرسازی ایرانی (صفویه و قاجاریه) انتخاب شده است و سعی شده تا با بررسی و تحلیل آن ها و شرایط توسعه ی دو شهر اصفهان و تهران به عنوان پایتخت های حکومت های صفوی و قاجاری، نقش این دو میدان در این توسعه های آشکار شود.

در راستای این تحقیق و بررسی سوالات زیر مطرح می شود: آیا میدان های نقش جهان و توپخانه در توسعه شهرهای اصفهان و تهران در زمان خود موثر بوده اند؟ این میدان ها چه تاثیری در الگوی توسعه بافت در این دو شهر داشته اند؟

برای پاسخگویی به این سوالات، فرضیه های زیر ارائه می شود: به نظر می رسد که این دو میدان در الگوی توسعه بافت این دو شهر تاثیر چشم گیری داشته اند، توسعه این شهرها بدون دخالت در بافت قدیم، با توسل به یک مفصل صورت گرفته است. در هر دو این توسعه ها، این میدان ها نقش مفصل را ایفا می کنند. لازم به ذکر است که در هر دو این توسعه ها، جابه جایی شهر از طریق جابه جایی های اجتماعی صورت می گیرد.

در این رساله سعی شده است تا در ابتدا مفهوم و تعاریف کلی مربوط به شهر ارائه شود. پس از آن میدان به عنوان یک فضای عمومی با اهمیت که می تواند در شکل دهی شهرها نیز نقش ایفا کند بررسی شود و نقش و جایگاه میادین در شهرها به طور خلاصه توضیح داده شود. سپس مختصری از دو شهر اصفهان و تهران و نحوه ی شکل گیری و توسعه ی آن ها و جایگاه و نقش میدان های نقش جهان و توپخانه در این توسعه ها بیان خواهد شد. در نهایت سعی خواهد شد تا با شیوه ی توصیفی - تحلیلی مقایسه ای میان نقش این دو میدان در این توسعه ها صورت گیرد.



## روش تحقیق

مقاله پیش رو به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. در این بررسی مقایسه ای تطبیقی بین معیارهای مستخرج و موقعیت میدان های نقش جهان و توپخانه با بررسی الگو و فرآیند توسعه بافت در دو شهر اصفهان عصر صفوی و تهران عصر قاجاری صورت گرفته است. برای بررسی این معیارها از روش کتابخانه ای و سپس تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده استفاده شده است.

## مفهوم شهر

شهر سیستمی مادی و معنوی است که به نیازها، فعالیت ها و رفتارهای ساکنان پاسخی فضایی می دهد. انسان نیز بر اساس نیاز های فردی یا گروهی و الگو های رفتاری خاص خود در شهر حضور می یابد و فضای شهری را شکل و حتی تغییر می دهند، به عبارت دیگر شهر و فضا های مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای اینگونه اتفاقات، بالتبع فضا ها و ویژگی های آن ها، وابستگی شدیدی به نحوه ی فعالیت و الگو های رفتاری استفاده کنندگان آنها دارند. البته همان طور که می دانیم این رابطه یک طرفه نیست. همان طور که فضاها از یک سو، آینه ی تمام نمای فعالیت ها و الگو های رفتاری جامعه هستند از سوی دیگر بر فعالیت ها و رفتار های ساکنان خود، تاثیر می گذارند (پاکزاد، ۱۳۸۶).

همان طور که می دانیم در فضاهای شهر های ایران که در طول سالیان متمادی تحت تاثیر آموزه ها و الگو های فکری و هنری اسلام شکل گرفته اند، می توان عوامل فرمی و معنایی را در کنار کیفیات مرتبط با فعالیت ها و رفتار های انسانی، از عوامل اصلی شکل دهنده آن ها دانست. در این میان، میادین شهری به عنوان مهمترین ظرف فضایی زندگی جمعی در فضای باز شهر ها، نقش بسیار والایی در جذب مردم و حضور آن ها و نیز ارتقای کیفیت حضور انسانی در شهر ها داشته اند (دانش و طیبی، ۱۳۹۰).

## مفهوم میدان

واژه ی میدان به لحاظ لغوی، این گونه تعریف شده است: میدان مرکب از می + دان (پسوند ظرفیت)، ظرف و آوند شراب و پیاله شراب خوری، در فارسی به معنای پیاله می دانست، عیش فراخ خوش، صفحه، زمین بی عمارت (دهخدا، ۱۳۷۷)

با نگاهی به معنای لغوی میدان برای باز شناخت این مفهوم در زبان فارسی نکاتی قابل اشاره است. معنای این کلمه مفهوم ظرفیت و جا و مکانی را برای بودن چیزی و محتوایی در بر دارد. میدان شهری جایی برای بروز واقعه ای است که ماهیت شهری دارد. نکته ی دیگر اینکه در ادبیات فارسی معمولا به کلمه ی میدان کلمه ای مضاف می شود تا این ظرف به مظلوف و محتوا، هویت یابد، به عنوان مثال ترکیباتی چون: میدان کاه فروش ها، میدان رزم، میدان بزم، میدان مسال فروش ها، میدان نبرد و ...، لذا میدان محلی است برای وقوع فعالیت ها و همچنین استفاده از کلماتی چون میدان داری، میدان آرای، میدان دادن، میدان کشیدن،



.... در کلام فارسی تأکیدی بر این مدعاست. بنا براین میدان شهری ظرفی است که مظروفش شهروندان و وقایع شهری است.

بار معنایی که کلمه ی میدان در شهر ایرانی واجد آن است، این فضا را عرصه ای برای وقوع رویداد می داند و چونان رابطه ی ظرف و مظروف، فضا و مردم را توأمان و باهم معنا می بخشد. همچنین با عنایت به جایگاه میدان در بافت های تاریخی شهر های ایرانی واجد مراتب بودن و مرکزیت داشتن میدان اصلی، در بافت شهری خصوصاً در دوران اسلامی کاملاً مشخص است از این رو، آن چه قابل اشاره است این که میدان در فارسی اصولاً به مفهومی که امروز در قالبی عامیانه به کار می رود (چرخه ای برای چرخیدن اتومبیل و متفرق شدن آن) جایگاه ندارد (نژادستاری، ۱۳۹۰).

در ادامه به بررسی تعریف میدان از دیدگاه چند صاحب نظر می پردازیم.

• میدان حاصل و برآیند سه عنصر اصلی کناره، میانه و فعالیت است که مجموعه ی آن ها هویت میدان را تعریف می کند (تقی زاده، ۱۳۸۵).

• میدان یا حیاط عمومی شهر نقش جمع کردن خانه ها یا عناصر شهری و محله ای را داشته است (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱).

• میدان فضای باز شهری است که با حضور و مکث معنی دار انسان و به منظور و مقصود معین در ارتباط با حرکت جمعیت، موجودیت یافته است. علاوه بر آن که جلوه های روشنی از فضا برای ایجاد ارتباط دارد و تماس و فعالیت آدمی را نمایان می سازد (برومند، ۱۳۷۴).

• میدان فضای باز و وسیعی است که دارای محدوده ای محصور یا کما بیش معین است و در کنار راه ها یا در محل تقاطع آن ها قرار داشته است. میدان دارای کارکرد ارتباطی، اجتماعی، تجاری، ورزشی، نظامی یا ترکیبی از دو یا چند کارکرد مزبور بوده است (سلطان زاده ۱۳۸۵).

• به تعبیر راب کریر از میدان، ویژگی های این فضا در ساختمان های مذهبی نیز بروز می کند. این تعریف به شکل گیری میادین اولی در شهر ها نظر دارد و با احتمال قوی، میدان را نخستین تمهید انسان برای استفاده از فضای شهری می داند. از نظر کریر میدان از تجمع خانه ها، دور تا دور فضای باز به وجود می آید. این چیدمان، کنترل بسیاری را برای فضای درونی با به حداقل رساندن سطوح خارجی و آمادگی دفاعی در برابر حمله های بیرونی میسر می سازد. به گمان او میدان به مرور ارزشی نمادین یافت و نمونه ای برای ساختمان های مذهبی چون حیاط مساجد شد (پاکزاد ۱۳۸۸).

با توجه به تعاریف گفته شده، میدان به عنوان عنصری از فضای شهری، بستری برای تعاملات اجتماعی است که دارای سه جزء اصلی می باشد: میانه، جداره، کناره.

میانه: اصلی ترین جزء میدان است که با بودن آن معنای میدان ممکن می شود. میانه حتی بدون جداره و کناره نیز توان تعریف میدان را دارد و ظرفیت درون یا فضای عمده میدان است که به کمک مفاهیم، وقوع عملکردها و ذهنیت ها یا به وسیله ی عناصر فیزیکی در مرکز یا پیرامون قابل تعریف است.



جداره: پیرامون و محیط میدان است که میدان را از دیگر فضاها متمایز می کند. جداره، آرایش و انتظامی از چند صفحه است و از طریق آن ورود از بیرون به میدان یا از درون میدان به ابنیه ی اطراف میسر می شود، جداره تمهیدی برای ایجاد محصوریت در میدان است.

کناره: اولین لایه ی فضایی مرتبط با جداره ی میدان است که معمولاً کاربری هایی را در مجاورت جداره تعریف می کند و شامل فضاهای ورودی است که نفوذ بدان را میسر می کند. به لحاظ مراتب، گاه قلمرو آن عمومی چون میدان است و گاه قلمرو آن نیمه عمومی یا خصوصی است که نفوذ به آن به وسیله ورودی فیلتر می شود (نژادستاری، ۱۳۹۰).

## دسته بندی انواع میدان ها

میدان ها قابل دسته بندی در گروه های میدان های عمومی، تجاری، حکومتی، نظامی، محله ای، ارتباطی و ورزشی هستند که در ادامه توضیح داده می شود.

میدان های عمومی کمابیش در همه سکونتگاه ها وجود داشته است، محلی که فضای تجمع مردم بود و بعضی از فضاهای عمومی مانند عبادتگاه، آب انبار یا نهر آب و به نسبت وسعت سکونت گاه، تعدادی فضای تجاری یا بازار در پیرامون یا مجاور آن قرار داشت. سبزه میدان تهران، سبزه میدان (میدان کهنه) اصفهان و بسیاری دیگر از سبزه میدان ها در سایر شهرها در گذشته، نمونه هایی از اینگونه میدان ها بوده اند.

در شهرهای متوسط و بزرگ، به غیر از میدان عمومی شهر، یک یا چند میدان تجاری وجود داشت که کارکرد اصلی و عمده آن (ها) تجارت بود. برخی از این میدان ها تنها به فرآورده یا کالای معینی مانند اسب، گاه گوسفند، میوه و ... اختصاص داشتند. بعضی از میدان های قدیمی میوه و تره بار تهران و سایر شهرها از این نوع به شمار می آیند. این میدان ها اغلب به نام فرآورده یا کالایی که در آنها فروخته می شد، نامیده می شدند.

معمولاً در پایتخت ها و شهرهای بزرگ یک میدان حکومتی وجود داشت که برای تمرین های نظامی، سان و رژه و انجام مراسم رسمی و در برخی موارد، مجازات مجرمان مورد استفاده قرار می گرفت. در بعضی موارد، اینگونه میدان ها تنها جنبه حکومتی و سلطنتی داشتند، مانند میدان ارگ تهران در پیش از تغییرات کارکردی و کالبدی آن. در پیرامون این میدان ها، بناهای نظامی، حکومتی و سلطنتی قرار داشتند، اما در مواردی، شخص حاکم یا تشکیلات حکومتی، در هنگام ساختن یا بازسازی چنین میدانی، آن را به گونه ای طراحی می کردند و در منطقه ای مستقر می نمودند که میدان دارای کارکردهای اجتماعی نیز باشد. میدان نقش جهان اصفهان، یکی از نمونه های خوب اینگونه میدان ها است. پیرامون اینگونه میدان ها، معمولاً در کنار فضاهای نظامی، حکومتی و سلطنتی، مسجد، بازار و برخی دیگر از فضاها و بناهای شهری ساخته می شد.

در پایتخت و بعضی از شهرهای بزرگ و مهم، یک میدان مخصوص تمرین های مداوم نظامی و استقرار و اقامت نظامیان ساخته می شد که متشکل از یک فضای باز یعنی محوطه میدان، و حجره ها و فضاهایی در



پیرامون برای اقامت نظامیان و ذخیره سلاح بود. میدان توپخانه و میدان مشق تهران، پیش از تغییر کارکردشان، از نمونه های میدان های نظامی به شمار می آمدند. در هر یک از محله های بزرگ و متوسط شهرهای تاریخی، یک مرکز محله وجود داشت. این میدانچه ها اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و در پیرامون برخی از آن ها تعدادی دکان برای عرضه کالاهای ضروری روزانه و هفتگی اهالی محله قرار داشت. همچنین مسجد، حمام، آب انبار و بعضی دیگر از فضاهای عمومی محله در کنار همین میدان ساخته می شد. به غیر از میدان های برون شهری و بسیاری از میدان های نظامی و تجاری سایر میدان ها نیز کمابیش از جنبه ارتباطی برخوردار بودند و اغلب در محل تقاطع یا کنار راه های مهم شهری قرار داشتند، اما در این جا منظور ما میدان ها و میدانچه هایی است که مهمترین کارکرد آن ها جنبه ارتباطی داشت، هر چند که ممکن بود مراسمی عمومی نیز به صورت سالانه یا فصلی در آنها برگزار شود. معمولاً در اینگونه میدانچه ها یا میدان ها، هیچ فضای مهم اجتماعی یا تجاری وجود نداشت. برخی از انواع ورزش ها و بازی ها در بعضی اوقات در بسیاری از میدان های عمومی و حکومتی برگزار می شد. اما در داخل یا حومه محدودی از شهرها، میدان هایی وجود داشت که بیشتر به انجام بازی ها و مسابقات ورزشی اختصاص داشت. مانند میدان اسب دوانی در حومه تهران.

پس از بررسی مفهوم شهر و یکی از اندام های مهم و عمومی آن ( میدان ها )، در ادامه سعی خواهد شد تا تحولات شهر نشینی و شهر سازی در ایران در طی دوران صفویه و قاجاریه بررسی شود. و نقش، کارکرد و جایگاه میدان های نقش جهان و توپخانه در این توسعه ها مورد توجه قرار گیرد. جهت بررسی نحوه توسعه شهری در دوره ی صفویه، ابتدا شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره بررسی و پس از آن نحوه ی شکل گیری شهر اصفهان، به صورت اجمالی بررسی خواهد شد.

## سیری گذرا بر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران دوره ی صفوی

با به دست گرفتن قدرت توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۵ هجری قمری، اولین حکومت ملی در ایران، پس از اسلام به وجود آمد. مذهب شیعه که تا آن زمان در موضع مخالف با حاکمیت قرار داشت به عنوان مذهب رسمی انتخاب شد. انتخاب مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی، سبب شد که حیات عقلی شیعی به اوج خود برسد و تشیع اثنی عشری برای نخستین بار هویت سیاسی و فرهنگی کاملاً مستقل خود را بیابد ( نصر ۱۳۶۵ ).

در زمان حکومت صفویه اوضاع کشور رو به بهبودی رفته و صنعت، کشاورزی و تجارت رونق گرفت. ایجاد وحدت سیاسی و اداری کشور توسط فرمانروایان دوره ی صفوی به عنوان یک عامل مهم، شرایط گسترش بازرگانی و کشاورزی را فراهم کرد. این افزایش و رونق تجارت داخلی و خارجی مستلزم وجود راه ها و جاده هایی امن بود. مقررات وضع شده در زمان شاه عباس به این نیاز پاسخ گفت.





در این زمان تسهیلاتی برای جلب بازرگانان خارجی فراهم آمد. به دنبال بسط روابط تجاری، روابط سیاسی ایران با کشورهای اروپایی توسعه یافت. رفت و آمد خارجیان خصوصا فرانسویان و انگلیسی ها جهت بسط روابط سیاسی و تجاری کشور متبوعشان شدت گرفت. به تدریج شهرنشینی و شهرسازی به همراه ایجاد ساختمان های سبک جدید توسعه یافت. بر اثر مبادلات بازرگانی و افزایش محصولات داخلی، تولیدات زراعی، کالاهای دستی و منسوجات تعدادی از شهرها رونق یافته و محلات جدیدی در جوار سایر محلات قدیمی ایجاد شد. و در نتیجه محلات از جمعیت متراکم شد و بازارها رونق یافت. با ایجاد امنیت در راه ها، کاروانسرا های متعددی در فواصل بین شهرها، خصوصا مناطق کویری و حواشی بیابان ها بنا شد. مراکز پستی و نظامی متعددی نیز تاسیس شد که باعث تردد و ارتباط بین شهرها گردید.

سیاست شهری شاه عباس مبتنی بر گسترش و رونق شهرهای نواحی مرکزی کشور بود. در زمان وی شهرهایی چون اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان، یزد، بندر عباس، همدان، قزوین، مشهد و بارفروش ( بابل ) توسعه یافتند. شهر تبریز توسعه و گسترش فراوانی یافت و اصفهان نیز که تازه پایتخت شده بود، در زمان شاه عباس دوباره سازی شد.

شکل گیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی - عقیدتی آن چه در پهنه ی سیاست خارجی و چه در زمینه ی سیاست داخلی، سبب می گردد تا این دولت به مادیت بخشیدن به مفاهیم سیاسی - عقیدتی خود بپردازد و به شهر چون نماد، تجسم و تجسد کالبدی - فضایی این مفاهیم بنگرد ( اهری و حبیبی، ۱۳۸۶ ). شرایط به وجود آمده زمینه ای گسترده برای شکفتن آراء فلسفی و عملی مهیا ساخت. این حکمت که در سراسر عصر صفوی در عراق، سوریه و هندوستان که پیوند های نزدیکی با ایران داشتند رواج داشت اجمالا " مکتب اصفهان " نامیده می شود (نصر، ۱۳۶۵).

مکتب اصفهان به تبع جهان بینی حاکم، به وحدت بیان دست می یابد. کل مفهومی جدا از اجزا دارد و مجموعه ی اجزاء متشکله ی خود نیست. جزء نیز در مقیاس خود کامل است و وحدت را نشانگر است. در عین این که در ترکیب با اجزای متشابه و یا متباین، مجموعه ی بزرگ تر را سبب می سازد. جزء در کثرت خویش وحدت را بیان می دارد و کل در وحدت خود کثرت را نشانگر است. مصداق عینی این مفهوم را در شالوده ی اصلی شهر مثل بازار اصفهان و عناصر متشکله ی آن می توان یافت.

در مکتب اصفهان نه مقیاس انسانی بلکه فضای انسانی مطرح می شود. مقیاس ها، اندازه ها، احجام، گشودگی ها و ... همه بر آن می شوند که بیانگر این فضا باشند. مکتب اصفهان در شهرسازی از ایجاد نقطه ی گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می کند. انکشاف فضا، اصل و مفهومی است که از ذره تا کلان فضای این سبک رخساره می نماید و سیالیت و تداوم فضایی از دیگر مفاهیمی هستند که در این مکتب به کار گرفته می شود ( اهری و حبیبی، ۱۳۸۶ ).

مکتب اصفهان از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه گر پرهیز می کند و بی آن که در پی ساختن بناهای یادمانی باشد، خود به یادمان تبدیل می گردد. ایجاد میدان ها در مرکز ثقل مجموعه های شهری، مصداقی از شکل گیری چنین یادمان هایی است که نقطه ی اوج آن میدان نقش جهان اصفهان است.



بعد از شاه عباس، جانشینان او نتوانستند به خوبی سیاست ها و اقدامات او را ادامه دهند تا این که افغان ها به ایران حمله کرده و ویرانی های بسیاری به بار آوردند. بعد از آن نادر شاه افشار با بسیج لشکر و حمایت مردم، افغان ها را شکست داد. ولی سیاست های وی پس از به سلطنت رسیدن، معطوف به لشکر کشی هایی شد که عدم توجه به اوضاع داخلی کشور را به دنبال داشت. پس از وی، در زمان کریم خان زند اقداماتی در زمینه ی پیشرفت اجتماعی کشور صورت گرفت. به خاطر توجه وی، شیراز به عنوان پایتخت توسعه ی فراوانی یافت.

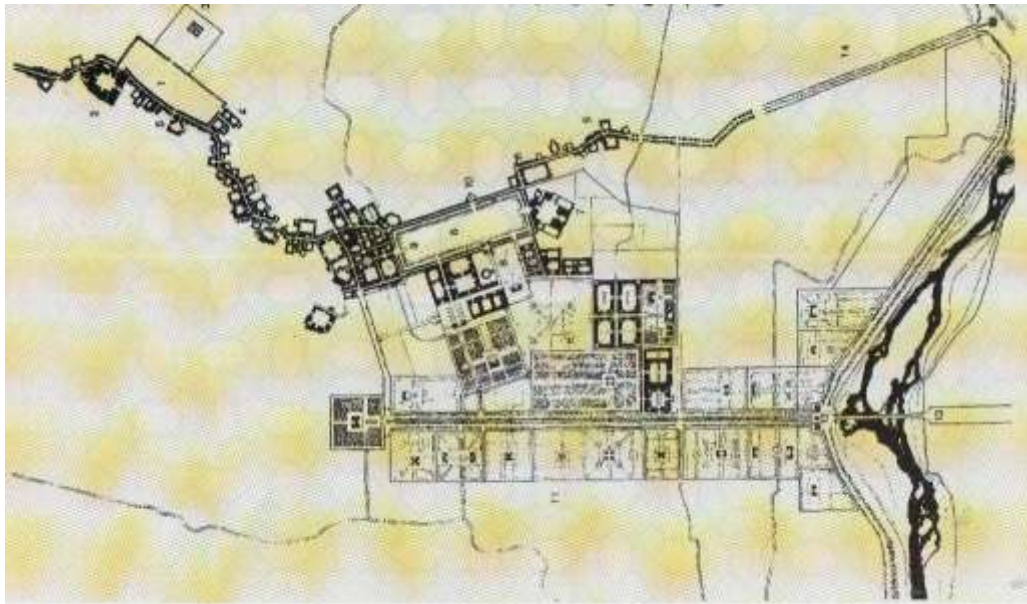
## تغییرات بافت شهری اصفهان در عصر صفوی

شاه عباس در سال ۱۰۰۶ ه. ق به دلیل مشکلات سیاسی، پایتخت خود را از قزوین به اصفهان منتقل کرد. بدین منظور شیخ بهایی به دستور شاه طرحی نو برای اصفهان در افکند که در تباین با سازمان کهن شهر بود. حلقه ی اتصال و مفصل این دو بافت، میدان نقش جهان قرار گرفت که با الهام از الگو های پیشین خود در اصفهان ( میدان کهنه دوران آل بویه ) و تبریز ( میدان حسن پادشاه ) و قزوین ( میدان عالی قاپو )، نقطه ی اوج و بارزترین نماد اقتدار پادشاهی و فرهنگ دوران خود شد.

پستی و بلندی زمین و طرح جامع شاه عباس با مکان یابی محله ها در چهار قالب منظم که آن را تقاطع بین زاینده رود ( با جریان غرب به شرق ) و محور خیابان چهار باغ که از پل الله وردی خان به سمت شیراز و جنوب یعنی خلیج فارس امتداد می یافت ( شکل ۱ )، تعیین می کرد مطابقت می کرد. طرح یاد شده از چهار قالب : چهارچوب شمال شرقی ( مطابق با شهر دوره میانه ) و چهارچوب جنوب غربی ( مطابق با جلفای نو ارامنه )، و چهارچوب شمال غربی ( شامل محله ای به نام تبریز نو یا تبریز آباد که بعدها شاه آن جا را عباس آباد نامید ) تشکیل می شد. به محله ی اخیر جماعتی از تبریز، علی الخصوص از اقوام ترک، هم چنین اقلیتی از مسیحیان آذربایجانی تبار مهاجرت کرده بودند. بالاخره چهارچوب جنوب شرقی بود که به سمت جلفای نو توسعه می یافت و بعد ها از طریق پل خواجه به اصفهان متصل شد. این قسمت را گبر آباد می گفتند که در آن پیروان زرتشت می زیستند ( پائولو کونثو ، ۱۳۸۴ ).

اما این تنها اصفهان نبود که مورد طراحی مجدد قرار گرفته و رونق و آبادانی یافت. ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار شهر های کهن و بنای شهرهای جدید در نقاط مختلف کشور، شهر نشینی را رونقی تازه بخشید. شهر اصفهان برای این که بیانگر ویژگی های دوران خود شود، در سطوح مختلف مورد طراحی قرار گرفت. بافت کهن نوسازی شد و به ویژه در پیرامون بازار در محل بناهای قدیمی، عناصر شهری جدید شکل گرفت. بافت جدید در اطراف مرکز ثقل جدید شهر - میدان نقش جهان - شکل گرفت و پیدایی مفهوم خیابان این بافت را تا سوی دیگر زاینده رود امتداد بخشید ( اهری و حبیبی، ۱۳۸۶ ).





شکل ۱: موقعیت میدان نقش جهان، محور چهارباغ، زاینده رود و میدان کهنه در بافت شهر اصفهان، ماخذ: URL1

برنامه ریزی، طراحی و اجرای شهر جدید اصفهان به مدت ۲۵ سال، بیانی روشن از نماد گرایی و سازمان دهی فضایی است.

در شهرسازی مکتب اصفهان، دو روش طراحی اندامین (ارگانیک) و خرد گرا (راسیونل) در هم می آمیزند و در توافق، هماهنگی و هم نوایی با یکدیگر مفهومی جدید از برنامه ریزی و طراحی فضایی را عرضه می دارند. چنان که بررسی منابع مکتوب از این دوره به ویژه سفرنامه ها نشان می دهد، بسیاری از محلات جدید شهری در خارج از باروهای موجود شهر شکل می گیرند و ضمناً ارتباط بسیار نزدیکی بین مجموعه ی شهر با مجموعه های زیستی پیرامونش برقرار می شود. بارو دیگر نقش دفاعی و محصور و محدود کننده ی مرزهای گسترش شهر را ندارد. دیدگاه ها و نقطه نظرات بستر حاکمه ی دوره ی قاجار، شباهتی بی نظیر با دوره ی باروک فرانسه دارد. البته لازم به یادآوری است که در مقایسه آن چه مد نظر قرار گرفته، تفکر حاکم بر دربار ( قدرت و خوش گذرانی، نظام مطلق و خشک، شهوانیات پر زرق و برق) و انعکاس آن از نظر مفهومی در معماری و شهرسازی (چه عناصر و چه فضاسازی ها) است.

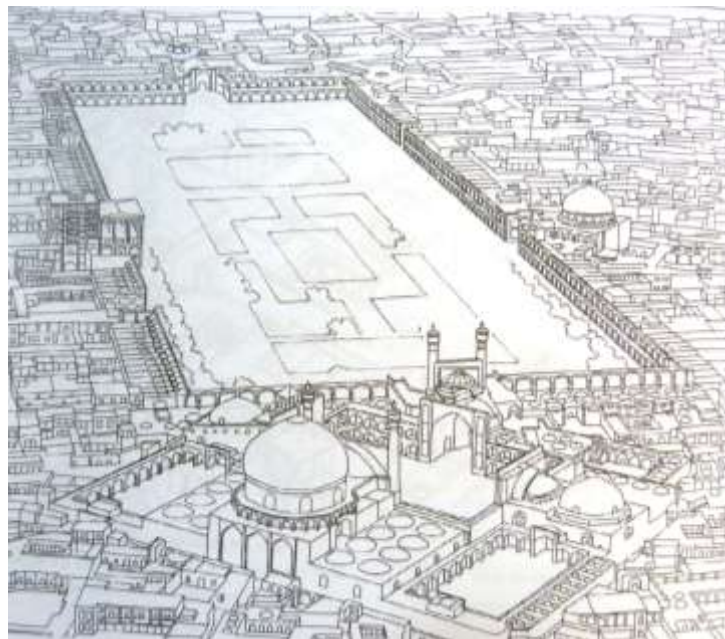
#### شکل گیری میدان نقش جهان در توسعه بافت کهن اصفهان

میدان نقش جهان اصفهان، یکی از معدود فضاهای دست نخورده شهری در جهان است. این میدان با قرار گرفتن چهار عنصر ممتاز معماری و شهرسازی در جهان اربعه آن، نمونه زیبایی مبانی شهرسازی در شهرهای کهن ایرانی- اسلامی است.

این چهار عنصر عبارتند از: مسجد جامع عباسی، عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله و سردر بازار قیصریه که کارکرد آنها در کنار یکدیگر و در تعامل با فضای میدان که- کارکرد خاص خودش را داشته



است- مجموعه ای منحصر به فرد را به وجود آورده‌اند. فضای میدان نقش جهان با چهار عنصری که به آنها اشاره شد واجد کلیه جنبه های حکومتی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و تجاری بوده است ( شکل ۲). این میدان، مستطیلی است به عرض ۱۶۵ و طول ۵۱۰ متر. بدنه میدان دو طبقه و به صورت دو ردیف طاق نماست که دور می گردد. در طبقه همکف بدنه میدان عمدتاً یک ردیف دکان قرار دارد. این طاق نماها به عنوان عنصر پیوند دهنده ی ساختمانی فضای میدان بود که این ترکیب متوالی، که فضای ممتد را دور میدان ایجاد می کند، به هر حال یکی از راه حل های بستن و محصور کردن کامل میدان است. برخی جهت میدان را معلول محدودیت های نحوه ی قرار گیری ساختمان های موجود در زمان احداث میدان می دانند و برخی دیگر در جهت عبور و مرور در شهر و راسته بازارها و گذر های حول و حوش میدان، پیش از احداث آن، تاکید می کنند.



شکل ۲، میدان نقش جهان در بافت شهری اصفهان و چهار عنصر شاخص اطراف آن، ماخذ: توسلی، ۱۳۸۶

میدان توان ویژه ای در وحدت بخشی دارد و فضایی دارای سکون را ایجاد می کند که ابتدا و انتهای حرکت را تعریف می کند. لذا از بنیادی ترین نقوش کالبدی میدان در بافت شهری انتقال درکی از کلیت آن به تجربه کنندگان است. به عنوان نمونه و تاکید بر این مدعا می توان به احداث میدان نقش جهان اصفهان و نقشی که در توسعه شهری ایفا کرده است اشاره کرد. احداث این میدان، احداث یکی از اصلی ترین هسته های بخش توسعه ی شهر بوده است که وظیفه کشش جمعیت را از بافت قدیم به بافت جدید و نمایان سازی ویژگی های توسعه ی جدید و کیفیت آن و تفاوت با ساخت و ساز های پیشین و سبک به کار گرفته شده، داشته است. علاوه بر این که ارکان زندگی شهری صفوی را به نمایش می گذاشته است. لذا کلمه ی اصلی، جمله ای با مفهوم توسعه در شهر اصفهان را بر بافت نگاشته است. ساختار شهر به وسیله ی این عنصر



معنا گرفته و الگوی توسعه آن به نمایش در آمده است. لذا این عنصر نمادی از کلیت شهر و عصاره ای منسجم از کلیت بافت است.

فضای شهری میدان، عرصه ای برای پیوند دادن کاربری هایی است که در کناره ی میدان حادث شده اند. تنوع این کاربری ها در فضای حاکم بر میدان اثر به سزایی دارد. تنوع کاربری ها موجب می شود که اختلاط حاصل از تعامل آن ها سر زندگی و شور زندگی شهری را در میدان به نمایش در آید .

در گونه های تاریخی میدان ایرانی، ترکیب و اختلاط کاربری ها در میدان با اثر پذیری از عناصر مستقر در کناره ی میدان صورت می گیرد و حتی گاه در میانه ی میدان به صورت موقت نظام دهی می شود. این اختلاط سازماندهی شده، فضای شهری را در عین این که بستر حدوث طیف وسیعی از رفتار هاست، در قالبی منسجم و منظم عینیت کالبدی می بخشد.

هم چنین کیفیت فضایی ایجاد شده در میدان و وقوع رویدادها و نحوه ی حضور مردم به لحاظ کیفی و کمی در آن، نمایشی از چگونگی مناسبات زندگی جمعی مردم است. به عنوان نمونه می توان به میدان نقش جهان اصفهان به عنوان میدان فراشهری در نمود هویت زندگی شهری عصر صفوی اشاره کرد. این میدان، عینیت و صورت مجسمی از ارکان زندگی جمعی مردم و تمدن صفوی را نشان می دهد و مذهب، حکومت، تجارت و دانش را دغدغه ی مردمان آن زمان در عرصه ی زندگی شهری معرفی می کند.

لازم به ذکر است که طبق یکی از دسته بندی های زوکر در مورد میدان ها، فضا و کلیه ابنیه و عناصر آن از نظر کالبدی در تسلط بنا یا مجموعه بنا های خاصی است. در شهر های اروپایی به نمونه های فراوانی از این نوع فضا بر می خوریم، که در آن ها بنای مسلط به صورت ساختمان یک کلیسا یا قصر، تالار شهر داری ، تئاتر و عناصر فرعی تر مانند یک فواره عظیم جلوه می کند. در واقع این عنصر مسلط است که در مجموعه ی فضاهای میدان و اطراف آن ارتباطات فضای بصری را جهت می دهد. در واقع در چنین میدانی چشم انداز بناهای محصور کننده و جذبه بصری بنای مسلط حالتی از کشش فضایی در میدان به وجود می آورد که ناظر را متوجه بنای مسلط می کند.

قطعا این خصوصیات در میدان نقش جهان اصفهان، علی رغم وسعت آن پیش از باغچه بندی و درخت کاری که مانع بصری محسوب می شود، بسیار قوی بوده است. بدین معنی که ناظر سریع تر از وضع کنونی متوجه عناصر محوری میدان، یعنی مسجد امام با سر در کشیده مناره ها، گنبد مسجد شیخ لطف الله و ترکیب عمارت عالی قاپو می شده است.

در ادامه به بررسی توسعه ی شهری در دوره ی قاجاریه می پردازیم و به این منظور، ابتدا شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره بررسی و پس از آن نحوه ی شکل گیری شهر تهران در این دوره و نیز نقش میدان توپخانه در این توسعه، به صورت اجمالی بررسی خواهد.



## سیری گذرا بر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران دوره ی قاجار

پس از کریم خان زند، آغا محمد خان قاجار، رئیس طایفه ی قویونلوها، به سلطنت رسید. وی تا حدی به دلایل استراتژیک، شهر کوچک تهران را پایتخت خویش قرار داد، تا نسبت به اصفهان، به محل ایل او و نیز قفقاز، که به آن چشم طمع داشت، نزدیک تر باشد.

با تشکیل دولت متمرکز قاجار در سال ۱۱۶۵ ه. ش (۱۷۸۶ م)، ایران وارد دوره ای جدید از تاریخ جهانی می گردد. دوره ای که طلوعه ی آن انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه می باشد. انقلاب عنصر نو پا و رو به رشد سرمایه داری، که مقر و مکان اصلی آن شهر است. شهر با مفهوم نوین خویش و نوگرایی درونی اش، مکان کلیه ی تحولاتی خواهد بود که از این پس رخ می دهد و انقلاب صنعتی را در خود می پروراند. شهر نماد نوگرایی می شود. تشکیل دولت قاجار همراه است با تحولات وسیع اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - سیاسی که تار و پود سازمان کهن زیست و تولید در اروپا را به هم می ریزد و جهانی نو و نظمی جدید را رقم می زند و خبر از تولد جهانی صنعتی و تشکیل دول قدرتمندی می دهد که با اتکا بر اصلاحات عمیق نه در پی کشف جهان که در پی تسلط هر چه بیشتر بر آن هستند. با این اعتبار دوره ی قاجار را می توان تحولی عمده در مفاهیم تاریخی دانست، تحولی که نه بر مبنای دگرگونی شرایط تاریخی درونی که بر مبنای تغییر شرایط برونری رخ می دهد (بانی مسعود، ۱۳۸۸).

اوضاع نابسامان در آن دوره، جنگ با روسیه و حضور اروپاییان در ایران و آشنایی روشنفکران با فرهنگ غربی و دگرگونی های جهانی نیاز فوری به انجام اصلاحات را آشکار کرد. نخستین مرد قدرتمند و فهیم قاجاری که این نیاز فوری را درک کرد، عباس میرزا، ولیعهد و حکمران آذربایجان بود. او را بنیان گذار نوگرایی در ایران دانسته اند. عباس میرزا با تقلید از فرآیند مشابه اصلاحی که در امپراتوری عثمانی در دوران حکومت سلطان سلیم سوم جریان داشت، یک برنامه ی اصلاحی را تنظیم کرد که شامل آشنایی با فناوری نظامی اروپا و روش های مدرن تربیت سربازان، ترجمه ی کتاب های اروپایی، تاسیس چاپخانه، انتشار روزنامه، تلاش برای نظم بخشیدن به نظام مالیاتی و هم چنین اعزام تعدادی از ایرانیان برای تحصیل در اروپا می شد. به دنبال درگذشت نابهنگام عباس در سال ۱۲۱۲ خورشیدی، بخش عمده ی برنامه ی اصلاحی او متوقف شد.

## تغییرات بافت شهری تهران در دوره ی حکومت قاجاریه

از تهران قدیم دو نقشه موجود است که مقایسه ی این دو سند گویای تغییراتی است که در این دوره در ساخت شهر و فضاهای شهری رخ داده است.

نقشه ی اول عنوان دارالخلافه ی تهران است که بر اساس نوشته ی حواشی آن به دست مسیو کرشیس، معلم دارالفنون، و به دستگیری ذوالفقار بیگ و تقی خان، شاگردان مدرسه، تهیه شده است و تاریخ نقشه جمادی الاول سال ۱۲۷۵ ه. ق را نشان می دهد که این تاریخ برابر است با ۱۲۳۳ ه. ش (شکل ۳).





این نقشه شهری را با تمام خصوصیات یک شهر کهن ایرانی نشان می دهد. شهر دارای حصار است با ۱۱۴ برج ( به تعداد سوره های قرآن ) که به دستور شاه طهماسب بر گرد شهر ساخته شده است و دارای ۶ دروازه است که ظاهراً ۴ دروازه قدیمی ترند و مانند شهر های شرقی ، به ۴ جهت باز می شوند .

ارگ شهر در داخل حصار دومی مجاور دیوار های شمالی شهر قرار دارد . در این نقشه به جز محوطه ی ارگ ، ۴ محله ی اصلی قابل تشخیص است ( سنگلیج ، عود لاجان ، بازار و چاله میدان ) . محلات دارای حدود مشخص و روشنی نیستند و عمدتاً در حول محور ها و گذر های طولانی اصلی شکل گرفته اند که راه های فرعی پیچ در پیچ از آن منشعب می شود و این گذر های اصلی به بازار منتهی می شود . در طول گذر های اصلی، میدانچه های متعددی نیز دیده می شود که دارای فضاهای تعریف شده ی خاصی نیستند و تنها گشایشی برای باراندازی و دسترسی به سراها و کاروان سراها و دیگر عناصر شهری محسوب می شود . خط اصلی بازار از دروازه ی جنوبی ، که به راه حضرت عبدالعظیم باز می شود ، شروع و به سبزه میدان که تنها فضای تعریف شده و هندسی در بافت شهر است، منتهی می شود. تنها این میدان ، که ارتباط بازار با ارگ سلطنتی است دارای فضایی دیگر گونه است و در طی زمان شکلی معین و معمارانه به خود گرفته است مسجد شاه به ارگ اضافه شده است و ساختار شهر همچنان در ادامه ی سنت قدیم است ( شکل ۳).



شکل ۳: نقشه تهران کشیده شده توسط موسیو اگوست کرشیس در سال ۱۲۷۵ ه. ق. ، ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۳

دومین نقشه ی تهران با نام دارالخلافة ی ناصری و با امضای عبدالغفار و با نوشته ی " عمل مهندس سلیمان خان سرهنگ " شهر تهران را پس از توسعه در عهد ناصرالدین شاه نشان می دهد . تاریخ تکمیل نقشه سال ۱۳۰۲ ه . ق ، برابر با ۱۲۷۵ ه . ش است . بر اساس این نقشه، مساحت شهر چند برابر گذشته شده است اما



بخش قابل ملاحظه ای از شهر هنوز به صورت باغ ها، فضاهای باز و مزارع در داخل حصار باقی است ( محمد زاده مهر، ۱۳۸۲ ).

باروی جدید شهر دیواری است هشت گوش و بسیار شبیه به شهر های دوره ی رنسانس در اروپا ، شهر دارای ۱۲ دروازه است که ۷ تای آن در انتهای خیابان های اصلی قرار گرفته اند و ۵ دروازه ی دیگر بیشتر به منظور تکمیل شکل هندسی دیوار طراحی شده اند و با راه های فرعی به شبکه ی شهر مربوط می شوند. ارگ شهر بر خلاف سنت گذشته در میانه ی بافت شهر قرار گرفته است و با هیچ یک از باروهای خارجی هم جوار نیست (شکل ۴).

تقسیمات شهر بر پایه ی محلات باقی است و بخش های توسعه یافته تحت عنوان توابع محلات قبلی نام گذاری شده اند و شهر دارای ۶ محله به نام های دولت ، ارگ ، سنگلج ، عودلاجان ، بازار و چاله میدان است . هم چنین شاهد شکل گیری عناصر و فضاهای جدیدی در شهر مانند ؛ خیابان ، پارک ، لاله زار ، باغ وحش ، بانک ، مدارس حرفه ای ، تلگراف خانه ، مریض خانه ، ساختمان های بلند مرتبه ، ماشین دودی ، واگن ، اسبی ، خطوط تلفن ، چراغ گاز و ... هستیم . بافت داخل شهر ، بر خلاف باروی آن ، از نظم معینی مانند شهر های رنسانس اروپا تبعیت نمی کند لیکن در بخش های جدید شهر ، شاهد الگوهای تازه ای از ساخت معابر اصلی و خیابان ها و ساختمان ها هستیم که با بخش جنوبی و مرکزی شهر که بافتی در هم تنیده دارد ، کاملاً متفاوت است (محمدزاده، ۱۳۸۲)

در هر دو دوره ی قاجار و صفویه ، شهر نو از مداخله در بافت کهن شهری خودداری می ورزد ، دگرگونی های ایجاد شده در محله ی ارگ تهران نه به عنوان دخالت های سنگین ، که به عنوان امکانات جدید در محله ی ارگ صورت می گیرد. در هر دو دوره از طریق جابه جایی شهر، جابه جایی های اجتماعی نیز صورت می گیرد.

در نقشه ی شهر جدید، حصار طهماسبی تخریب شده است و جای آن را خیابان های جدید الاحداث گرفته است. نکته ی جالب توجه تفاوتی است که بین بافت قدیم ( در محدوده ی حصار طهماسبی ) و بافت جدید ( بین حصار طهماسبی و حصار ناصری ) وجود دارد.

بافت قدیم کماکان به صورت متراکم با گذر های باریک و نامنظم باقی مانده است. ولی بافت جدید، خصوصاً در محله ی جدید دولت در شمال دارالخلافه دارای تراکم کم تری است و خیابان ها به صورت مستقیم با عرض بیش تری کشیده شده است. لذا بافت جدید دیگر در چارچوب خصوصیات بافت شهر های سنتی ایران قرار ندارد و بیش تر شباهت به طرح های هوسمان در پاریس دارد. هوسمان بین سال های ۱۸۷۰-۱۸۵۳ میلادی در زمان ناپلئون سوم ( هم عصر ناصرالدین شاه ) تغییرات بنیادی در پاریس به وجود آورد که بارزترین نمود آن خیابان های مستقیم و عریض بود که نقاط کلیدی شهر را به یکدیگر مرتبط می کرد. در این که طرح جدید تهران مستقیماً تحت تاثیر طرح های هوسمان در پاریس بوده سند معتبری وجود ندارد و لذا با اطمینان نمی توان در این مورد حکم داد. ولی باید توجه داشت که طرح دارالخلافه ی ناصری توسط ژنرال بوهلر استاد فرانسوی علوم نظامی در دارالفنون و تعدادی از مهندسان ایرانی کشیده شد.





لذا طرح دارالخلافه نمی توانست تحت تاثیر طرح های شهری جدید فرانسه نباشد. هم چنین باید اضافه نمود که با وجود درشکه ها و کالسکه های جدید که هر روز تعداد آن ها بیش تر می شد، و همچنین واگن اسبی، تهران جدید نیاز مبرم به خیابان های مستقیم، عریض و سنگ فرش شده داشته تا عبور و مرور با این وسائط حمل و نقل نوظهور میسر شود. البته خود ناصرالدین شاه و بسیار از اشراف و امرا از شهر پاریس دیدن کرده بودند و امتیازات مختلف این نوع خیابان کشی جدید را از نزدیک دیده بودند.



شکل ۴، نقشه ی دارالخلافه ی ناصری که توسط عبدالغفار خان نجم الملک بین سال های ۱۳۰۹-۱۲۸۵ ه.ق کشیده شده است، ماخذ: قبادیان ، ۱۳۸۳

در بافت جدید دارالخلافه، بخش شمالی آن دارای اهمیت بود. زیرا در سمت شرق و غرب شهر بیش تر مزارع و باغات قرار داشتند و در سمت جنوب نیز مزارع، باغات قرار داشتند و در سمت جنوب نیز مزارع، باغات و کوره های آجر پزی واقع بودند. لذا بخش شمالی بافت جدید که از آلودگی کوره های آجرپزی به دور بود و



مجاور ارگ حکومتی و رو به مناطق ییلاقی البرز قرار داشت، مورد توجه اقشار مرفه پایتخت و هم چنین اروپائیان ساکن تهران قرار می گیرد.

نقطه ی ثقل بافت جدید در شمال شهر، میدان جدید توپخانه بود. این میدان با توجه به این که هم جوار ضلع شمال شهر به آن مرتبط بودند، دارای اهمیت کلیدی در توسعه دارالخلافه بوده است. در عصر ناصری و هم چنین در دوره های بعدی، این میدان به صورت کانون تحولات جدید نوظهور در شهر تهران در می آید. همان گونه که عنوان شد، در تهران تا قبل از احداث میدان توپخانه جدید، دو میدان مهم شهر، سبزه میدان و میدان ارگ بودند که اولی در جنوب و دومی در جنوب غربی ارگ حکومتی قرار داشتند. در ابتدا توپ های جنگی و توپچی ها در میدان ارگ مستقر بودند و این میدان به نام میدان توپخانه معروف بود.

ضلع شمالی حصار ارگ تهران بیش از آن که میدان توپخانه جدید در سال ۱۲۸۴ هجری قمری احداث گردد، به خندق و بیابان بیرون شهر منتهی و وصل بود. چون در سال مذکور شهر توسعه یافت و باروهای قدیمی ویران شد و خندق ها از خاک انباشته گردید. بیابان شمالی ارگ به میدان بزرگ مربع مسطتیلی تبدیل شد و محل استقرار توپ ها و توپچی ها گردید و در مقابل میدان توپخانه ی قدیم ( میدان ارگ ) به نام میدان توپخانه ی جدید شهرت یافت.

شهر جدید تهران ، تاویلی است نو از شهر ساخته شده در مکتب اصفهان ، تاویلی با مفاهیم زمانی و مکانی جدید . تاویلی تازه از مفهوم شهر در دل دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی ناشی از فشار ها و خواست های درون سر ( انقلاب مشروطیت ) و امیال و نیروهای برون سر ( روابط جدید ناشی از ورود سرمایه و کالا و فرهنگ بیگانه ) . این تاویل فصل جدیدی را آغاز می کند که شاید بتوان " سبک تهرانش " نامید (حبیبی ، ۱۳۸۲).

دوره ی صفویه و قاجاریه در ایران همزمان با تحولات سریعی است که در غرب اتفاق می افتد. هم چنین در این دوره ارتباط بیش تر ایران و غرب سبب تاثیر پذیری از غرب در شهرسازی ایرانی می شود. لذا رساله ی پیش رو با تمرکز بر نقش میدان در فرآیند توسعه ی شهری در دو شهر اصفهان و تهران دوره ی صفوی و قاجاریه به عنوان دوره های مهم در شهرسازی ایرانی ، میدان های نقش جهان و توپخانه را برای مقایسه ی میادین ، دو میدان نقش جهان و توپخانه انتخاب شده اند ، که هر کدام به نوعی تجسم کالبدی روح زمانه ی خویش و میادین مهم این دو دوره هستند، مورد بررسی قرار داده و سعی در بررسی تطبیقی این دو میدان در فرآیند توسعه ی این دو شهر دارد.

بافت داخل شهر ، برخلاف باروی آن ، از نظم معینی مانند شهر های رنسانس اروپا تبعیت نمی کند ، لیکن، در بخش های جدید شهر ، شاهد الگو های تازه ای از ساخت معابر اصلی و خیابان ها و ساختمان ها هستیم که با بخش جنوبی و مرکزی شهر ، که بافتی به هم تنیده و معابر و گذر هایی پیچ در پیچ دارد ، کاملاً متفاوت است .

در این خیابان کشی های جدید با دو الگو روبه روییم :



نوع اول خیابان هایی است درختکاری شده و به صورت بولوار، که در دو سمت آنها تک بنا هایی ساخته شده است که نسبت به خیابان عقب نشسته اند و دور تا دور بنا را فضای سبز و درختکاری شده می پوشاند. خیابان امین السلطان یا سفرا (فردوسی کنونی) از این نمونه است.

نوع دیگر: خیابان هایی است که در طرفین آن بنا های رو به خیابان، بدنه‌ی ممتد و منظم را شکل می دهند و همه ی فضا های اصلی ورودی ها رو به خیابان دارند. این الگو بیشتر در خیابان باب همایونی و ناصریه (ناصر خسرو کنونی) قابل رویت است. در هر دو الگو، خیابان فضای شهری با هویتی است دارای مبدا و مقصدی معین با فضا هایی تعریف شده و ارتباطات منظم در بدنه های حاشیه آن.

این خیابان ها نه مفهوم و عملکرد رسمی و نمادین همسان چهار باغ را داشته اند و نه مانند خیابان های دوره ی بعد، صرفا دسترسی سواره محسوب می شده اند، بلکه فضا های با هویتی را می ساختند که جریان زندگی و حرکت شهر در آن می گذشت.

گذشته از خیابان ها، که پدیده ای نسبتا تازه در شهر محسوب می شدند، میدان ها اصلی ترین فضاهای شهری عمومی را تشکیل می دادند که بیشتر در ادامه ی سنت گذشته ی شهر ایرانی شکل گرفته اند. لیکن مفاهیم و عملکرد و ساختی دیگر گون داشته اند، میدان هایی که در شهر این دوره قابل تشخیص اند، در شکل عادی تر، میدان ارک و مشق و امین السلطان، و در شکل برجسته تر و غنی تر، سبزه میدان و میدان توپخانه اند. میدان توپخانه به عنوان اصلی ترین میدان در مرکز شهر و بر مرز شهر قدیم و جدید واقع شده اند (محمدزاده، ۱۳۸۲).

## شکل گیری میدان توپخانه در توسعه بافت تهران عصر قاجار

میدان، مستطیلی است که طول آن در جهت شرقی- غربی قرار گرفته است و نسبت طول و عرض آن یک به دو است. طول میدان در حدود ۲۰۰ و بیست متر و عرض آن صد و ده متر است. شش خیابان به میدان متصل می شود که تا امروز نیز، تعداد و محل و موقعیت آنها تغییر چندانی نکرده است.

۲ خیابان از شش خیابان به ضلع جنوبی متصل می شوند که تقریبا نسبت به محور میدان متقارن اند: خیابان شرقی در ضلع جنوبی خیابان ناصریه (ناصر خسرو) است که میدان را در حاشیه ی شرقی ارگ به شهر متصل می سازد. خیابان غربی ضلع جنوبی، خیابان باب همایون یا الماسیه است که ورودی ارک سلطنتی از میدان محسوب می شود.

در ضلع شمالی میدان، تقریبا روبه روی خیابان های جنوبی، دو خیابان از میدان جدا می شوند که به سمت شمال شهر امتداد می یابند. خیابان طرف شرق، خیابان لاله زار است و خیابان غربی، خیابان سفرا یا امین السلطان (فردوسی) نام دارد. بدین ترتیب، خیابان سفرا مقابل خیابان باب همایون و خیابان لاله زار مقابل خیابان ناصریه قرار گرفته است.



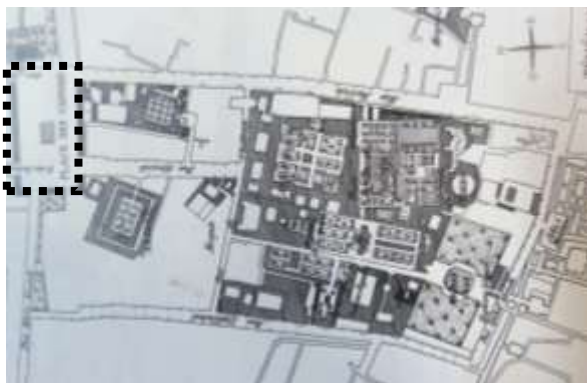
در طرف شرق میدان، با کمی انحراف نسبت به محور طولی آن نزدیکتر تر به ضلع جنوبی، خیابان چراغ گاز (چراغ برق) به میدان متصل می شود و خیابان مریضخانه (سپه) در بدنه ی غربی و نزدیکتر به ضلع شمالی میدان واقع است.

بدین ترتیب، دیده می شود که موقعیت خیابان هایی که از میدان منشعب شده اند نسبت به محور های مستطیل متقارن اند. این شش خیابان میدان مرکزی شهر را به نقاط مختلف شهر متصل می سازند. دو خیابان شمالی تا حاشیه باروی شمالی شهر امتداد دارند و خیابان غربی تا یکی از دروازه های باروی غربی امتداد می یابد (دروازه باغشاه). خیابان ناصریه به بازار متصل می شود و خیابان ارگ تا مقابل سر در الماسیه و خیابان درب اندرون ادامه دارد. خیابان چراغ گاز نیز به راهی که روی باروی قدیمی شهر احداث شده مرتبط است که گرداگرد شهر قدیم را می پیماید (شکل ۵).

بدنه های چهار گانه میدان دارای نمایی ممتد و نظم است که از نیم طاق هایی در دو طبقه که دورادور میدان مستطیل را فرا می گیرند شکل یافته است. طبقه ی دوم میدان نسبت به طبقه ی هم کف عقب نشسته است و راه رویی بیرونی و سراسری را دورادور میدان، در ارتفاع یک طبقه بالاتر از سطح آن، به وجود می آورد. تنها بدنه ای که امتداد نمی یابد بدنه ی شرقی است. در این بدنه، هر دو طبقه در یک سطح قرار می گیرند و طبقه ی بالایی دارای عقب نشینی نیست. این بدنه بیشتر به صورت پرده ای برای تکمیل شکل میدان عمل می کند (محمدزاده، ۱۳۸۲).

ارتباط عناصر، گرداگرد میدان بیرونی است و راه داخلی و سرپوشیده، بدان گونه که در بعضی میدان های بزرگ گذشته (نقش جهان) به چشم می خورد، دیده نمی شود.

نظم کلی بدنه ها را عناصر اصلی گرداگرد میدان دگرگون می کنند و، در طول نمای ممتد میدان حرکتی تازه و دیدی متفاوت به وجود می آورند. این عناصر عبارت اند از دروازه ای مربوط به پنج خیابان ورودی به میدان که هر یک بنا بر اهمیت و موقعیتی مختص به خود طراحی شده است. دروازه ششم دروازه ارگ است که عنصری قوی با موقعیتی خاص است و با دیگر دروازه ها کاملاً فرق دارد.

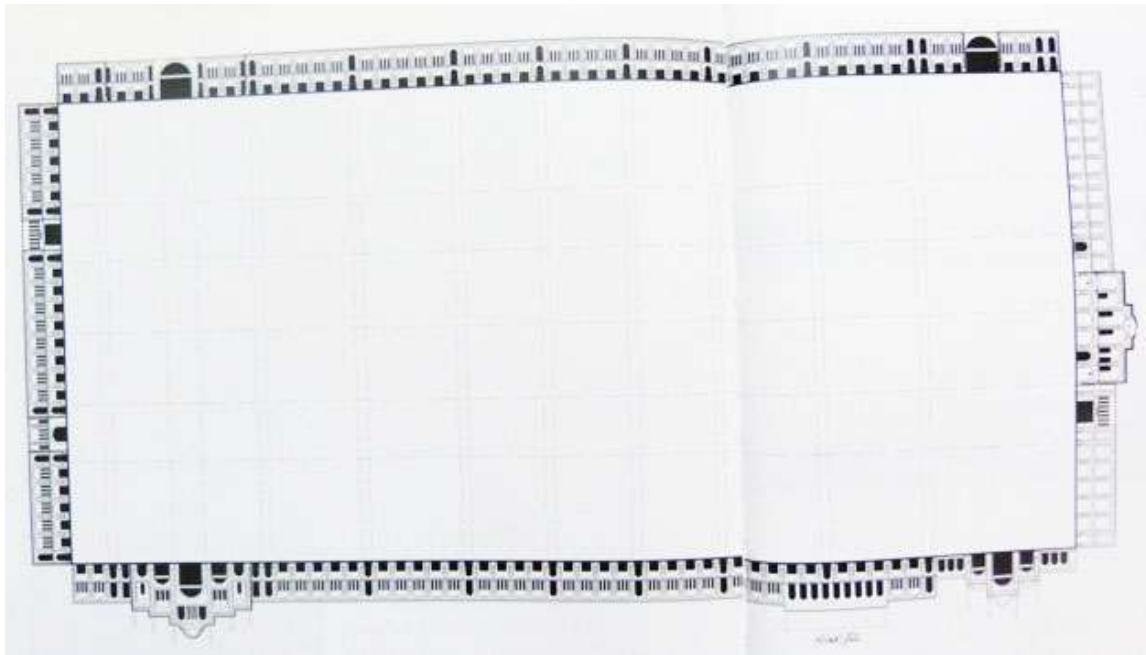


شکل ۵: جایگاه میدان توپخانه در ارگ سلطنتی و خیابان های متصل به آن، ماخذ: محمد زاده مهر، ۱۳۸۲



به جز دروازه ها ، عمارت بانک شاهی در شرق میدان باطراحی خاص خود و سر در قورخانه در بدنه ی غربی و بعد ها ساختمان نظمیه در این بدنه و ساختمان تلگرافخانه در ضلع جنوبی ، که همگی بنا های مهم دولتی اند ، در نظم و آهنگ کلی میدان تغییری مطبوع ایجاد می کنند که آن نیز در قالب نظمی کلی است. عملکرد های گرداگرد میدان:

با توجه به نام میدان و شکل ساختمان اولیه آن و انتقال توپ ها از میدان ارگ ( توپخانه سابق) به این میدان ، عملکرد اصلی ابنیه آن (به جز بدنه ی شرقی) برای نگهداری توپ ها و محل اقامت توپچی ها پیش بینی شده بود . لیکن، با گذشت زمان ، بخش هایی از میدان به عملکرد های دیگری اختصاص یافت. به جز دروازه ها که محل عبور و مرور و کنترل و نگهبانی محسوب می شدند. در بدنه ی جنوبی، نزدیک به دروازه ناصریه، بخشی از ساختمان میدان به تلگراف خانه تخصیص یافته بود. بخش اعظم بدنه ی شرقی نیز در اختیار بانک شاهی و باغ هم جوار آن قرار داشت . در بدنه ی شمالی ، در کنار دروازه لاله زار ، اداره ی پستخانه ی مبارکه و بعدها، در میانه ی بدنه، اداره ی بلدیه مستقر شدند و در ضلع غربی ، در کنار دروازه قورخانه، اداره ی نظمیه اسکان یافت ( شکل ۶) .



شکل ۶: بدنه های گرداگرد میدان و تناسب آن، ماخذ: محمد زاده ی مهر، ۱۳۸۲

بدین ترتیب، دیده می شود که عملکرد های اطراف میدان به طور کلی بنا های اصلی دولتی اند که میدان های مرکزی شهر را شکل می دهند. ارتباط خیابانهای اصلی و فعال شهر، وجود ادارات گرداگرد میدان و جریان زندگی روزمره در محوطه ی میدان در مجموع فضای شهری زنده و فعالی را ایجاد می کند.





## بحث و نتیجه گیری

بعد از ورود اسلام تا پیش از قاجاریه، اصلی ترین میدان، میدانی است که مسجد جامع بدان روی می گشاید. نقش جهان علاوه بر مسجد جامع ( تفکر مسلط مذهبی )، بارگاه شاهی عالیقاپو ( نشانه ی حکومت )، بخش اصلی بازار ( اقتصاد و مردم ) را نیز در کنار خود می نشاند. میدان نقش جهان به عنوان مفصل میان بافت جدید و قدیم شهر اصفهان در دوره ی صفویه، عاملی قوی در شکل دهی و سامان دهی بافت جدید شهری اصفهان است. هم چنین این میدان، عینیت و صورت مجسمی از ارکان زندگی مردم و تمدن صفوی می باشد.

در میدان توپ خانه نیز شاهد عناصر و ساختاری هستیم که معرف و بیانگر روابط دوره ی خویش است. این عناصر عبارتند از دروازه های مربوط به شش خیابان ورودی به میدان که هر یک بنا به اهمیت و موقعیت، طرحی مختص به خود دارند. دروازه ی باب همایون یعنی ورودی ارگ سلطنتی، به عنوان باشکوه ترین عنصر میدان، نمادی است از حضور حکومت و دروازه های خیابان های شهر نشانه ی ارتباط محلات شهر و مردم است.

این میدان در مرکزیت شهر و در مفصل ارتباطی بخش قدیم و توسعه جدید و در جوار ارگ سلطنتی واقع شده است و کلیه ی بناهای دولتی و حکومتی مهم گرداگرد آن قرار گرفته اند.

کالبد میدان از انسجام و همگونی و یکپارچگی برخوردار است، فضای آن با هویتی بارز معرف فرهنگ غنی معماری و شهرنشینی دوره ی خود است و حتی عدم مرغوبیت مصالح و ضعف مهارت های فنی، که همه به سبب شرایط مالی و اقتصادی کشور است، از ارزش آن نمی کاهد.

میدان مرکز ارتباطات شهری و محل برگزاری مراسم مختلف و محل زندگی اجتماعی و فرهنگی شهر و به یک کلام، نبض تپنده ی زندگی شهری محسوب می شود.

شش خیابان اصلی شهر در این دوره، هر کدام با یک دروازه به میدان توپخانه متصل می شوند. لازم به ذکر است میدان توپخانه به عنوان مفصل مهم بافت قدیم و جدید شهر تهران در این دوره ایفای نقش می کند.

دو میدان، در سطح شهر فعالیت می کنند، لذا مسئله ی محصوریت در آن ها مطرح نیست و شکل مسطیل می یابند. نسبت اضلاع این مسطیل در نقش جهان ۱ به ۳ است و محور اصلی از مسجد جامع ( مذهب ) و سردر بازار قیصریه ( مردم ) عبور می کند. در توپ خانه نسبت این اضلاع ۱ به ۲ است و ضلع جنوبی که دروازه ی ارگ سلطنتی در آن قرار دارد شاخص ترین ضلع به لحاظ تزئینات و ارتفاع است. فرم میدان توپخانه نیز در ادامه ی میدان های دوره ی صفویه ( مانند میدان نقش جهان ) با زنجیره ای از تاق نماها محاصره شده است و در نقاطی با بناها و یا سر در ها، تشخیص پیدا کرده است و در نهایت کلیتی منسجم و یکپارچه را پدید آورده است.

در واقع هر دو میدان به عنوان مفصلی میان بافت جدید و قدیم ایفای نقش می کنند. و هر کدام از آن ها در دوره های خود اصلی ترین کاربری های شهری را دارا بوده و مانند قلب تپنده ی شهر عملی می کردند که شریان های اصلی شهر نیز از آنان منشعب می شود که این عوامل موجب سرزندگی و حیات این میادین بوده





است. با این تفاوت که نقش جهان به عنوان عاملی، قویا در سامان دهی بافت شهری اطراف خود نقش دارد و طی زمان ثابت مانده است که شاید بتوان علت آن را در وجود دو مسجد قوی ( به عنوان پایگاه های مذهبی ) در جداره های میدان دانست که سبب جلوگیری از به هم خوردن شکل و فرم و سازمان میدان نقش جهان بوده اند. در حالی که میدان توپخانه طی دوران های مختلف شاهد تغییر و تحولات فراوان بوده است هر چند که خیابان های اصلی و شکل دهنده ی شهر در آن دوره ( خیابان به عنوان اندام شهری جدید و متفاوتی از خیابان دوره ی صفوی ) از این میدان منشعب شده و سبب ایجاد سازماندهی مشخصی در تهران آن دوره شده است. شاید بتوان علت این تغییر و عدم ثبات کالبدی میدان توپخانه را در قوی ترین شدن ارتباطات میان ایران و غرب و هم چنین برجسته شدن موقعیت تهران به عنوان پایتخت و تغییرات عمده و ناگهانی این شهر دانست.

هم چنین لازم به ذکر است که در هر دو این توسعه ها، جابه جایی شهر از طریق جابه جایی های اجتماعی صورت می گیرد.

## - منابع :

- ۱- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۶)، " راهنمای طراحی فضاهای شهری "، نشر شهیدی، چاپ اول، تهران
- ۲- دانش، جابر، امیر طیبی، (۱۳۹۰)، " کیفیت حضور در میادین شهری با تاکید بر نمونه های سنتی ایران "، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴، ۸۰-۷۱
- ۳- توسلی، محمود، ناصر بنیادی، (۱۳۸۶)، " طراحی فضای شهری " نشر شهیدی، چاپ اول، تهران
- ۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۸)، " لغت نامه دهخدا " انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۵- سلطانزاده، حسین، (۱۳۸۵)، " فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران "، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم، تهران
- ۶- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۸)، " سیر اندیشه ها در شهرسازی: از فضا تا مکان "، نشر شهیدی، چاپ دوم، تهران
- ۷- نژاد ستاری، سعیده، ( ۱۳۹۰)، " نقش میدان های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تاکید بر شهرهای ایرانی "، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳، ۷۰-۵۷
- ۸- اهری، زهرا، محسن حبیبی، (۱۳۸۶)، " مکتب اصفهان در شهرسازی: زبان شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری "، نشر دانشگاه هنر، چاپ اول، تهران
- ۹- کونثو، پائولو، (۱۳۸۴)، " تاریخ شهرسازی جهان اسلام "، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، نشر شرکت عمران و بهسازی، چاپ اول، تهران
- ۱۰- محمد زاده مهر، فرخ، (۱۳۸۲)، " میدان توپخانه تهران "، انتشارات پیام سیما، چاپ دوم، تهران
- ۱۱- حبیبی، محسن، (۱۳۸۲)، " مرمت شهری: تعاریف، تجارب، منشورها و قطع نامه های جهانی، روش ها و اقدامات شهری "، نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران
- ۱۲- قبادیان، وحید، (۱۳۸۳)، " معماری در دارالخلافة ناصری "، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران
- ۱۳- بانی مسعود، امیر، (۱۳۸۸)، " معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته "، انتشارات هنر قرن، چاپ اول، تهران